

اُپرای هفت شهر عشق؛ آماده سازی در تبریز، اجرا در تهران و پراگ!

دی ۱۲، ۱۴۰۱



آذرقلم: منصور دانشور نوازنده و سازنده اُپراهای بزرگ ایرانی تا آذربایجانی می گوید: بخشهایی از اُپرای هفت شهر عشق در تهران و بخشهایی در پراگ با همکاری استاد علی رهبری ضبط می‌شود. چون حجم کار بالا است و نزدیک به ۳۵۰ نفر سولیست، گروه کُر، حرکات و ارکستر سمفونی، نوازنده و ... فعال هستند، بنابراین پروژه به طول می‌انجامد.

به گزارش آذرقلم، منصور دانشور، نوازنده، مدرس آواز، پیانو و ساز سنتور، آهنگساز، تنظیم کننده و سازنده ساز در حوزه موسیقی و اُپرا است که تاکنون موفق شده چندین اُپرا از جمله اُپرای هفت شهر عشق، تاسوعا، سرداران بزرگ آذربایجان و ... را ساخته و به اجرا برساند و در حال حاضر نیز اُپرای هفت شهر عشق او در تهران و پراگ با همکاری علی رهبری، رهبر ارکستر بین المللی در حال ضبط است. در ارتباط با مراحل ضبط این اُپرا و سایر فعالیت‌هایش با او به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:

**** آقای دانشور اُپرای «هفت شهر عشق» در چه مرحله‌ای قرار دارد و**

چه زمانی به اجرای نهایی می‌رسد؟

این روزها مشغول فعالیت روی ضبط اپراهایی هستم که نوشتم و با استاد علی رهبری رهبر ارکستر بین المللی، مدیر و رهبر بزرگترین اپرای جهان (مارینسکی) سنت پترزبورگ روسیه که اکنون ساکن پراگ هستند در ارتباط بوده و تصمیم به ضبط بخشهایی از اپرای هفت شهر عشق توسط ایشان در خارج از ایران و همچنین داخل ایران دارم، منتها، چون حجم کار این اپرا زیاد است، نزدیک به ۳۵۰ نفر متشکل از سولیست‌ها، گروه کُر، گروه حرکات موزون و ارکستر سمفونی به همراه نوازنده‌ها و تیم کارگردانی روی صحنه و... هستند پس زمان زیادی برای خروجی و مستر لازم است و پروژه طول خواهد کشید.

**** قدری به عقب برگردیم، برایمان بگویید خودتان نزد چه اساتیدی تحصیل کردید و چگونه؟**

من خودم شاگرد مرحوم استاد فرامرز پایور بودم و آهنگسازی را نزد شادروان فریدون ناصری و مرحوم بابک بیات و همچنین سلفز را نزد استاد شریف لطفی آموختم. در سال ۱۳۶۹ در دانشکده موسیقی دانشگاه تهران رشته موسیقی قبول شدم، ولی متأسفانه پس از طی آزمون عملی و اعلام قبولی در این رشته که توسط استاد پیرنیاکان به من اعلام شد، به خاطر شرایط آن دوره دانشگاه‌ها باید منتظر می‌ماندیم تا ببینیم ما را قبول می‌کنند یا خیر، چون جزو ذخیره‌ها بودم، به خاطر همین شروع به آموزش آهنگسازی به صورت آزاد نزد آن اساتید محترم نامبرده کردم.

البته من به دلیل مشکلات مادی که برای تحصیل موسیقی به صورت آزاد داشتم، به یادگیری هنر چوب و معماری، ساخت سازهای سنتی بالاص سنتور نزد اساتید برجسته این رشته همچون شادروان استاد ناظمی و مرحوم استاد قنبری مهر و... پرداختم که حالا هم آثارساز و معماری چوب با پروانه و مهر مالکیت معنوی و تخلص هنری‌ام به اسم پرنیان در دست اکثر نوازندگان و هنرجویان و علاقه مندان است و در داخل و خارج از کشور مشغول فعالیت در این زمینه هستم. از جمله آن آثار که بین المللی هم هستند و به دعوت و درخواست دانشگاه و کنسرواتور اینترنشنال باکوی آذربایجان ساختم، ساز ابداعی سنتور مربوط به فرهنگ آن کشور است که از آن پرده برداری شده و حال هم مشغول ساخت یک ساز سنتور میکروتون برای موزه تورنتوی کانادا هستم.

**** از اُپرایتان برایمان بگویید از چه سالی شروع شد و الان به کجا رسیده است؟**

کار اُپرا را از سال ۱۳۶۵ با نگارش اُپرای «سرداران بزرگ آذربایجان» و با الهام گرفتن از تاریخ سرداران نامی همچون ستارخان و باقرخان تا اسطوره‌های معاصر همچون شهید مهدی باکری و ... که به صورت حماسی بودند، آغاز کردم. پس از آن در اواخر دهه هفتاد اُپرای حیدربابای استاد شهریار را که جزو فرهنگ عامیانه و پاستورال روستایی به شمار میرفت، نوشتم.

در سال ۷۹ اولین مجموعه آثارم برای سنتور و سازهای سنتی به اسم پرنیان سگاه که شامل تصانیف و قطعات و فرم‌های موسیقی سنتی بود، چاپ و انتشار یافت و در سال ۸۰ نیز به عنوان کتاب سال موسیقی کشور انتخاب شد و با ارایه این آثار و چند اثر سمفونی دیگر در سال ۸۱ موفق به قبولی آزمون آهنگسازی از صدا و سیمای تهران شده و به عنوان آهنگساز و تنظیم کننده در آن سازمان مشغول به کار شدم.

همچنین در همان سال موفق به کسب پروانه تاسیس آموزشگاه موسیقی بتهوون شده و اولین استودیو ضبط موسیقی شمال غرب کشور به اسم عصر نوین و اولین پروانه تهیه و تولید و اجرای کنسرت‌های بزرگ داخل و خارج از کشور با همان نام که در رزومه آن کنسرت‌های اکثر خواننده‌های مطرح کشور و همچنین خارج از کشور به چشم می‌رسد و اولین موسسه چند منظوره شمال غرب به اسم عصر نوین را در سال هشتاد و یک تاسیس کردم. از همان سال‌ها به عنوان عضو خانه موسیقی تهران با آن مرکز در ارتباط بوده و به عنوان مدیر و رهبر همچنین آهنگساز گروه‌های موسیقی سکوت، پرنیان، بتهوون و شمس فعالیت داشتم و اجراهای متعددی در داخل و خارج از کشور انجام دادم.

در سال ۸۶ یکی از آثارم که به فرم اُپرت یا همون اُپرای کوچک به اسم «تاسوعا» که الهام گرفته شده از تاریخ و فرهنگ عاشورا بود، در بخش آهنگسازی موفق به کسب جوایز از وزارت ارشاد شد. برای دومین بار متوالی نیز از همین جشنواره این اثر در سال ۹۵ توانست به عنوان بهترین اثر در بخش آهنگسازی انتخاب شود. از همان سال‌ها کار تحقیق و پژوهش در موسیقی بالاحص (پداگوژی) روش تدریس نو برای آموزش موسیقی را کردم که حاصل آن کتاب «تبار شناسی موسیقی» نام گرفت. در سال ۹۰، سه ثبت مالکیت معنوی این کتاب از وزارت ارشاد مورد تایید قرار گرفت که چکیده‌ای از این اثر به صورت مقاله به چهار زبان در دانشگاه‌های موسیقی کشور ترکیه، آذربایجان، گرجستان

و ارمنستان رایج شده است.

**** آثار آذری زبان هم دارید؟ درباره آثار مکتوبتان برایمان بگویید.**

بله، مجموعه آثارم برای موسیقی آذری و ایرانی هر کدام در قالب پنجاه تصنیف نو برای پیانو و سازهای اینیسترومنتال در طی این سالها نوشته و در حال چاپ کتاب و ضبط استودیوی هشتم در دو مجموعه بسیار بزرگ برای پیانو تنظیم شده، به اسم «ترانه‌های سرزمین مادریم» در قالب چهار صد تصنیف و ترانه فولکلور موسیقی آذربایجانی و مجموعه دیگر باز در قالب چهار صد ترانه به اسم «ترانه‌های مام وطنیم» برای موسیقی ایرانی و ساز پیانو تنظیم یافته است که به صورت کتاب و لوح فشرده در آستانه چاپ است. مجموعه‌های دیگری نیز از جمله ریتم و هارمونی در اشعار ایرانی و آذربایجانی، متد زبان حرکات موزون حماسی، تحلیل موسیقی آواز سنتی که اگر خدا یاری کند تقدیم علاقمندان به این رشته‌ها در قالب کتاب و لوح فشرده خواهد شد.

**** حال باز برگردیم به اُپرای هفت شهر عشق و فراز و نشیب‌های آن.. شنیدیم که قرار بوده تهران اجرا بشود به دلائلی ابتر مانده و حال در پراگ ضبط می‌شود.**

ایده این اُپرا با تعریف هفت مرحله رسیدن به کمال، آگاهی و سیر در فنا و خود آیی درون، مدت زمان زیادی ذهنم را مشغول خودش کرده بود. مثل اُپراهای بزرگ کارمن یا فیدلو، اثر آهنگسازان بزرگ دنیا و برای نوشتن (رستیتایف) دیالوگ‌های متن و آریاها و همچنین اوورتور و کارناوال فاینال می‌بایست ایده و سوژه این اثر با متن همسویی پیدا می‌کرد که در نهایت خودم اُپرانامه اثر را که مثل فیلمنامه یک فیلم سینمایی بود با الهام گرفتن از هفت مرحله عشق عطار به صورت نو و معاصر شروع به نوشتن کردم و رستیتایفها و دیالوگ‌های موزون متن را در قالب شعر از یکی از اساتید شعر به دو زبان فارسی و آذری کمک گرفتم و اُپرانامه به لحاظ تطبیق وزن عروضی شعری که بالغ بر یکصد قطعه شعر ده بیتی شد، در دو مجموعه جدا گانه فارسی و آذربایجانی آماده کردم.

یعنی اُپرا هم می‌توانست با اشعار جدید و نو فارسی و هم با اشعار تازه و نو آذری اجرا شود. علاوه بر موسیقی و رستیتایف‌های ساده و آکامپانیه کلاسیک غربی، رستیتایف‌های آوازی مربوط به موسیقی سنتی‌مان

در اُپرا و همچنین از هنر حرکات موزون حماسی استفاده شده است.

حجم کار خیلی زیاد بود بیش از ۱۵۰۰ صفحه آماده شد، حتی زمانی که قرار شد در ارکستر تهران کار شود، بدلیل نبود بعضی از سازها و حتی سولیست و خوانندگان برخی از گروه کُر و همچنین ضعف ارکستر سمفونی پر و بالش چیده می‌شد و بیشتر نوازندگان توان اجرای آن را نداشتند؛ بنابراین پس از مدتی کار تهیه کنندگی این مجموعه از طرف آقای دکتر قریب مدیریت هتل‌های جهانگردی توسط خانم مهدیزاده با کارفرمایی نوای شرقی و ایران کنسرت به بنده پیشنهاد شد و قرارداد صرفاً به اجرای اُپرا با ایشان به صورت کامل بسته شد.

ولی بعد از عقد قرار داد اثر، اُپرای بنده را به جهت ناتوانی در اجرای ارکستر و پرسناژها به سمت نمایش موزیکال با حضور لاکچری‌های تئاتری هدایت می‌کردند که در نهایت با مخالفت بنده بعد از چند اجرا جلوی کار گرفته شد. در این گپرو دار توسط دوست عزیزم و حسین شریفیان از نوازندگان ارکستر سمفونیک، حسن فراهانی و چند نوازنده دیگر ارکستر به من گفته شد این کار زیبا و عظیم حیف است که با این ارکستر ضعیف اجرا بشود و از من اجازه خواستند که به استاد رهبری پیشنهاد بدهند، بنده هم قبول کردم.

**** نظر آقای رهبری درباره اجرای این اثر چه بود؟**

آقای شریفی به من گفتند که اجازه دهید با آقای رهبری تماس بگیریم و ایشان هم نظری بدهند، پس از آن طی تماس تلفنی با ایشان چند بخش از پارتیتور اثر را از من خواستند تا نظرشان را اعلام کنند. بعد از چند روز مطالعه، کار را طی یک ایمیل برای من تأیید کردند و خودشان هم صحنه گذاشتند که ارکسترهای ضعیف نمی‌توانند آن را اجرا کنند. استاد رهبری تبریک گفتند که کار بی نظیر است و تصمیمشان را برای ضبط ماندگار اثر با بامداد بیات که در پراگ است، اعلام کردند.

البته من خودم در شرایط کرونایی نتوانستم برای ضبط کار به پراگ بروم، قرار بر این شد که بخش‌هایی از کار به صورت آنلاین با ارکستر پراگ و بخش‌های دیگر که بیشتر کُر و سولیست‌ها هستند، در تهران ضبط و در نهایت کار میکس و مستر شود.

**** علاوه بر این اُپرای دیگری هم در دست کار دارید؟**

آخرین اُپرای که نوشتم و الان در دستم است، به اسم طاعون الهام

گرفته از پوئمای ملامحمد فضولی اثر بختیار وهاب زاده ادیب آذربایجانی است که البته خود این شاعر و عارف با شیوع طاعون از دنیا رفت. شاید این اثر مشابه به حال این روزهای کرونایی ما باشد که متاسفانه خیلی از همنوع‌هایمان عزیزانشان را به دلیل این بلا از دست دادند و همچنین من مادرم را...

**** خدا رحمتشان کند و به شما عمر با عزت بدهد. نکته پایانی؟**

نزدیک به یک سال است که تلاش برای آماده سازی بزرگترین استودیوی ضبط موسیقی دائمی ام را دارم ، همزمان با بیست و پنج سالگی استودیو در شمال غرب کشور، این کار را هم دست گرفتم. این استودیو هم با هنر تلفیق معماری چوب و آکوستیک (که بالغ بر یک میلیون قطعه چوب ظریف در آماده سازی‌اش کار شده)، طراحی، اجرا و آماده بهره برداری شده است.

منبع: آنا